

ارزش‌یابی تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران (پیشنهاد چارچوبی برای تدوین الگوی ارزشیابی‌ها)*

علیرضا ناصرالمعمار^۱ - احمد امین پور^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۳۰ تاریخ اصلاحات: ۹۹/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۳/۱۳ تاریخ انتشار: ۹۹/۱۲/۳۰

چکیده

مداخله در بناهای تاریخی به‌منظور سازگارسازی آن‌ها با بهره‌برداری‌های جدید در برخی موارد ممکن است با جنبه‌های اصیل بنا به‌مثابه میراث فرهنگی مغایرت‌هایی داشته باشد. ارزشیابی این سازگارسازی‌ها به‌منظور قضاوت در مورد مطلوبیت مداخلات یا اطمینان از درستی تصمیمات برای اقدامات آتی، ضروری است. علی‌رغم گسترش این‌گونه تجارب در کشور، هنوز نظام ارزشیابی رسمی و جامعی در این رابطه تدوین نشده است. در طراحی و اجرای ارزشیابی‌ها، به‌منظور دستیابی به اهداف موردنظر، حسب شرایط از الگوهای مختلفی استفاده می‌شود. با توجه به این نکته، مقاله حاضر به این پرسش‌ها می‌پردازد که: تدوین الگوی ارزشیابی متأثر از چه عواملی و چگونه میسر است؟ و الگوی ارزشیابی متناسب با شرایط تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، در چارچوب روش تحلیل محتوای کیفی، از بررسی اسناد و استدلال منطقی در گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد. ادبیات حوزه ارزشیابی نشانگر آن است که انتخاب راهکارهای مناسب و تدوین الگوی ارزشیابی وابسته به عواملی ناشی از ماهیت موضوع و زمینه ارزشیابی است. در این مرحله مدل تعیین راهکار با توجه به وضعیت‌های محتمل مؤثر ایجاد شد. در مرحله بعد پس از شناسایی موقعیت‌های ارزشیابی در تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی و چالش‌های پیش روی آن به‌ویژه در شرایط ایران، وضعیت عوامل مؤثر بر تعیین راهکارهای طراحی و اجرای ارزشیابی در هر موقعیت موردبررسی قرار گرفت. بررسی‌ها نشان داد وضعیت برخی عوامل وابسته به مورد و غیرقابل‌پیش‌بینی است و بنابراین امکان پیشنهاد الگویی از پیش تعیین شده برای ارزشیابی‌ها وجود ندارد. در بخش نتیجه‌گیری بر اساس وضعیت عوامل، راهکارهای قابل‌استفاده در هر موقعیت ارزشیابی در قالب یک چارچوب راهنما ارائه شده است که می‌تواند به تدوین الگوی ارزشیابی متناسب با زمینه تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران و ویژگی‌های خاص هر پروژه کمک کند.

واژگان کلیدی: الگوی ارزشیابی، تجارب سازگارسازی، بناهای تاریخی.

* این مقاله برگرفته از مطالعات رساله دکتری با عنوان «تدوین چارچوب مفهومی برای طراحی ارزشیابی‌های مرتبط با فرآیند جاری پروژه‌های سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران» با راهنمایی نویسنده دوم می‌باشد که در دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

** E_mail: aminpoor@aui.ac.ir

۱. مقدمه

ارزش‌یابی به مفهوم تعیین ارزش یا بهای چیزی، به‌طور منفرد یا در مقایسه با موارد مشابه، دارای گستره وسیعی در گفتمان روزمره است و در کنار آن به‌عنوان یک فعالیت رسمی، نظام‌مند و آگاهانه نیز مطرح است. ارزشیابی به‌طور عموم در جهت کمک به تصمیم‌گیری و نظارت، به‌قصد بهبود موضوع، فراهم آوردن امکان پاسخگویی، قضاوت و آگاهی‌رسانی به‌کار می‌رود (Stufflebeam & Coryn, 2014, pp. 21-25) و در کنار این مقاصد، واجد ظرفیت‌هایی در جهت روشن‌گری، تقویت درک مشترک، جلب حمایت و افزایش حس مالکیت نسبت به موضوع نیز می‌باشد (Stake, 1975 as cited in Stuffelbeam & Coryn, 2014, p. 193; Guba & Lincoln, 2001, pp. 2-3). ارزشیابی‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا گردند که مقاصد و ظرفیت‌های آن محقق شده، امکان‌پذیر، اتکاپذیر و مطابق با اصول اخلاقی باشند (Yadegarzadeh, Bahra- & Parand, 2007, p. 155). ارزش‌یابان به این منظور در طراحی و اجرای ارزشیابی، راهکارهای متفاوتی در قالب الگوهای ارزشیابی به‌کاربرده‌اند (Stufflebeam & Coryn, 2014, p. 59). بررسی ادبیات حوزه ارزشیابی نشان می‌دهد علی‌رغم وجود مطالعاتی در خصوص دسته‌بندی، معرفی و تبیین ظرفیت‌ها و راهکارهای مورداستفاده در الگوهای ارزشیابی، مدلی برای تدوین الگوی ارزشیابی ارائه نشده است.

ارزشیابی پروژه‌های مرتبط با بناهای تاریخی به دلیل اهمیت آن‌ها به‌مثابه میراث فرهنگی امری ضروری است. سازگارسازی بناهای تاریخی از این جمله است که به‌منظور انطباق بنا با بهره‌برداری جدید صورت می‌پذیرد. علی‌رغم گسترش این دست تجارب در ایران، مکانیسم‌های لازم برای کنترل آن از سوی جامعه و دولت وجود ندارد (Hodjat, 2001, pp. 106-108) و هنوز نظام ارزشیابی برای هدایت و کنترل آن به شکل رسمی شکل نگرفته است (Parhizkar, 2009, p. 6). با توجه به ضرورت استفاده از ظرفیت‌های ارزشیابی در تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران و نقش تدوین الگو در این رابطه، مقاله حاضر به این پرسش‌ها می‌پردازد که:

۱. تدوین الگوی ارزشیابی متأثر از چه عواملی و چگونه میسر است؟
 ۲. الگوی ارزشیابی متناسب با شرایط پروژه‌های سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران چگونه است؟
 در این راستا نخست ضمن معرفی الگوهای ارزشیابی و شناسایی عوامل مؤثر بر اتخاذ راهکارها، مدلی برای شکل‌دهی به الگوی مناسب ارائه می‌شود. سپس موقعیت‌های ارزشیابی و تصمیم‌گیری در تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی و چالش‌های پیش روی آن بررسی شده و نقش ارزشیابی در اینگونه تجارب تبیین می‌شود. در بخش بعدی با توجه به اطلاعات حاصله،

وضعیت عوامل مؤثر بر تعیین الگوی ارزشیابی بررسی می‌شود. در نهایت در بخش نتیجه‌گیری تلاش می‌گردد بر اساس مدل پیشنهادی و وضعیت عوامل مؤثر، راهکارهای قابل‌استفاده در هر موقعیت شناسایی و الگوی مناسب آن تدوین گردد.

از آنجاکه الگوهای پیشنهادی می‌تواند در طراحی ارزشیابی‌ها و بهبود تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی به‌کار رود، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی به‌شمار می‌رود. پژوهش واجد ماهیت کیفی است و از روش تحلیل محتوای کیفی در آن استفاده شده است. در این راستا از بررسی اسنادی پژوهش‌ها و اسناد بین‌المللی حوزه‌های مربوطه استفاده شده است. راهبرد پژوهش در تحلیل و نتیجه‌گیری از داده‌ها استدلال منطقی با ماهیت فرهنگی/گفتمانی است، چراکه با ایده امکان تدوین چارچوبی برای شکل‌دهی به الگوی ارزشیابی مناسب، به تبیین مستدل و منطقی عوامل و بازنمایی نحوه اثرگذاری آن بر تعیین راهکارها پرداخته است.

۲. الگوهای ارزشیابی و عوامل مؤثر بر شکل‌دهی به آن

فرآیند کلی ارزشیابی در انواع ارزشیابی‌ها مشابه و مشتعل بر طراحی (تعیین مبانی و روش‌ها)، سنجش (گردآوری اطلاعات) و قضاوت (تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری) است (Scriven, 1991, p. 139; Gay, 1991 as cited in Saif, 2013, p. 112) با این وجود، الگوهای مختلفی برای چگونگی طی کردن گام‌های مختلف فرآیند به‌کار گرفته می‌شود.

۲-۱- دسته‌بندی الگوهای ارزشیابی و نقش تعیین الگو در طراحی ارزشیابی

دسته‌بندی‌های متفاوتی برای الگوهای ارزشیابی ارائه شده است (Stufflebeam & Coryn, 2014; Saif, 2013). مقایسه الگوهای مختلف نشان می‌دهد که تعیین گروه‌های دخیل و نحوه مداخله ایشان در مراحل مختلف فرآیند ارزشیابی در این چارچوب مشخص می‌شود. الگوهای ارزشیابی را بر این اساس می‌توان در پنج دسته طبقه‌بندی نمود:

۱. الگوهای سنجش محور: الگوهایی که معیارهای از پیش تعیین و اولویت‌بندی شده توسط متصدیان را مبنا قرار می‌دهند. در این الگوها مرحله سنجش نقش کلیدی دارد و ارزش‌یاب می‌تواند مبتنی بر داده‌های این مرحله به قضاوتی عینی برسد.

۲. الگوهای توصیفی: در این الگوها اولویت با ارائه اطلاعات توصیفی است و نتیجه‌گیری به مخاطبین ارزشیابی واگذار می‌شود.

۳. الگوهای قضاوتی: در این الگوها محوریت با ذهنیت ارزش‌یاب است که مبتنی بر تلقی خود از مطلوبیت‌های مورد انتظار، به سنجش و قضاوت می‌پردازد.

روشنگری در خصوص موضوع، استفاده از راهکارهای مبتنی بر ذهنیت گروه‌ها توصیه می‌شود (Worthen & Sanders, 1987 as cited in Saif, 2013, p. 87; Stufflebeam & Coryn, 2014, p. 273).

۲-۲-۲- امکان نظرخواهی

در برخی موقعیت‌ها علی‌رغم ضرورت توجه به منافع و دیدگاه‌های ذینفعان، امکان دریافت و اعمال مستقیم نظرات وجود ندارد (به‌طور مثال در مورد نسل‌های آینده یا بهره‌برداران نامعلوم آتی). در این شرایط بهره‌گیری از الگوهای قضاوتی توصیه می‌شود که در آن ارزشیاب مبتنی بر آگاهی خود از نیازها و خواسته‌های بالقوه ذینفعان فاقد صدا عمل می‌کند (Moerin, 2009, p. 55).

۲-۲-۳- وجود اتفاق نظر و اولویت ارزشیابی

در فرآیند نظرخواهی، پس از دریافت نظرات در وحله اول وجود اتفاق نظر بررسی می‌شود^۲ (Butler & Roth-stein, 2007, p. 19). در صورت وجود تعارض (به‌طور مثال در شرایط تضاد منافع گروه‌ها) به‌ویژه زمانی که قدرت نفوذ گروه‌ها متفاوت باشد، دو راهکار مبتنی بر نتایج مورد انتظار از ارزشیابی توصیه شده است:

الف) در صورتی که اولویت ارزشیابی توانمندسازی ذینفعان باشد، راهکار الگوهای مشارکتی کارایی دارد که در آن ارزشیابی با حفظ تکثر دیدگاه‌ها گسترش یافته و در مراحل مختلف در خصوص تعارضات بحث می‌شود که لزوماً به نتیجه‌ای قطعی در جهت بهبود موضوع نمی‌رسد (Stake, 1975 as cited in Stufflebeam & Coryn, 2014, p. 384).

ب) در صورتی که اثربخشی ارزشیابی در جهت بهبود موضوع در اولویت باشد، راهکار الگوهای مذاکره، محور کارایی دارد که در آن تلاش می‌شود بین ذینفعان اتفاق نظر ایجاد شود (Patton, 2011, p. 14).

در صورت عدم تعارض، اتفاق نظر موجود ملاک عمل قرار گرفته، ارزشیابی در عین کمک به توانمندسازی ذینفعان می‌تواند به نتایجی قطعی در راستای بهبود موضوع دست پیدا کند.

۲-۲-۴- امکان توافق و توسعه ارزشیابی

دستیابی به توافق بین دیدگاه‌های متکثر گروه‌های ذینفع مستلزم امکان مشارکت نمایندگانی با ظرفیت مذاکره و دیگرپذیری است^۳ (Ibid, p. 74). که در صورت فقدان چنین شرایطی، با توجه به ضرورت اثرگذاری ارزشیابی در بهبود موضوع، راهکار محتمل عبارت‌اند از جمع‌بندی نظرات گردآوری شده و نتیجه‌گیری توسط خود ارزشیاب (Stufflebeam & Coryn, 2014, p. 223). توسعه ارزشیابی نیز مستلزم صرف زمان و هزینه مضاعف است (Ibid, p. 201); که در صورت عدم امکان، با توجه به لزوم حفظ

۴. الگوهای مشارکتی: در این الگوها ذینفعان با تسهیلگری ارزشیاب، به بیان انتظارات خود از موضوع و سنجش آن پرداخته و قضاوت‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و اصراری بر دستیابی به نتیجه قطعی وجود ندارد.

۵. الگوهای مذاکره محور: در این الگوها نمایندگان ذینفعان با تسهیلگری ارزشیاب، به سنجش موضوع مبتنی بر معیارهای مورد توافق پرداخته و به قضاوت مشترکی می‌رسند.

هر گروه از الگوها در جهت تحقق کاربردهای خاصی قابل‌استفاده است و مزایا و محدودیت‌های خاص خود را دارد (Worthen & Sanders, 1987 as cited in Saif, 2013, pp. 87-88). الگوهای سنجش محور، توصیفی و قضاوتی به‌قصد بهبود موضوع یا قضاوت و پاسخگویی؛ الگوهای مشارکتی صرفاً به قصد روشنگری در خصوص موضوع و توانمندسازی ذینفعان؛ و الگوهای مذاکره محور به‌قصد روشنگری توأم با بهبود موضوع یا قضاوت و پاسخگویی انجام می‌شوند. توصیه می‌شود که ارزشیابان با بررسی کارایی راهکارهای مختلف در موقعیت موردنظر، الگوی مناسب را شکل داده و ارزشیابی را طراحی و اجرا نمایند (Alexander, 2006, p. 14; Stufflebeam & Co-ryn, 2014, p. 29).

۲-۲- عوامل مؤثر بر انتخاب راهکارها و شکل‌دهی به الگوی ارزشیابی

به منظور دستیابی به عوامل مؤثر بر انتخاب راهکارها، ویژگی‌ها و شرایط تحقق‌پذیری هر یک در ادبیات مربوطه مورد بررسی قرار گرفت. چنان‌که در دسته‌بندی الگوها مشاهده می‌شود، مهم‌ترین وجه تمایز، در میزان و نحوه رجوع به نظرات گروه‌های دخیل در ارزشیابی است. این گروه‌ها مشتمل بر ارزشیاب، متصدیان موضوع و سایر ذینفعان آن هستند. هر چه در فرآیند ارزشیابی سهم نظرات افراد و طیف گروه‌های دخیل افزایش می‌یابد، نتایج ارزشیابی ذهنی‌تر است. بر این اساس الگوها را در طیفی از عینیت‌گرا تا ذهنیت‌گرا طبقه‌بندی می‌کنند (House, 1983 as cited in Saif, 2013, p. 73). با توجه به این موضوع، عوامل اثرگذار بر اتخاذ راهکارهای طراحی و اجرای ارزشیابی حول محور ضرورت و چگونگی نظرخواهی سازماندهی شد.

۲-۲-۱- ضرورت نظرخواهی

به‌طور معمول استفاده از الگوهای سنجش محور به دلیل تمرکز بر اهداف از پیش تعیین‌شده توسط متصدیان و قابلیت کنترل و برنامه‌ریزی ارزشیابی، مورد حمایت کارفرمایان ارزشیابی است (Alexander, 2006, p. 14). ولی در شرایطی که درباره موضوع و معیارهای مطلوبیت آن شناخت کافی یا اتفاق نظری وجود نداشته باشد و یا سنجش مشخصه‌های کیفی مطرح باشد، به منظور

تکثر آراء، می‌توان ارزشیابی را با گزارش مجموعه نظرات متعارض به پایان رسانید (Butler & Rothstein, 2007, p. 17).

تعیین وضعیت عوامل مذکور به‌مرور و طی فرآیند ارزشیابی، با افزایش آگاهی نسبت به موضوع و زمینه ارزشیابی ممکن می‌شود. وضعیت برخی عوامل به‌طور کلی قابل پیش‌بینی است؛ ولی در مورد عواملی همچون وجود اتفاق نظر، امکان توافق و توسعه ارزشیابی، وابسته به مورد بوده و غیرقابل پیش‌بینی است. این امر موجب می‌شود که تعیین قطعی راهکارهای مناسب و شکل‌دهی به الگوی ارزشیابی به شکل موردی و تدریجی امکان‌پذیر شود. با این حال با توجه به امکان تشخیص وضعیت برخی از عوامل، تعیین مجموعه‌ای از راهکارهای قابل استفاده با توجه به ماهیت موضوع ارزشیابی و گروه‌های دخیل

امکان‌پذیر است.

۳-۲- تعیین راهکارهای طراحی و اجرای ارزشیابی با توجه به وضعیت عوامل مؤثر

همان‌طور که در تحلیل عوامل اثرگذار مشاهده می‌شود، ضرورت بررسی وضعیت هر عامل وابسته به وضعیت عامل فرادست است. به‌طور مثال در صورت وجود اتفاق نظر، عوامل بعدی در تعیین راهکار مناسب تأثیری ندارند. با توجه به احتمال تفاوت شرایط در مراحل مختلف ارزشیابی، اعم از تعیین مبانی، گردآوری اطلاعات و قضاوت، برای هر مرحله به‌طور مجزا می‌بایست وضعیت عوامل مورد بررسی قرار گرفته و راهکار مناسب آن مرحله انتخاب شود. در مدل زیر فرآیند تحلیل عوامل و تعیین راهکار مناسب نمایش داده شده است:

جدول ۱: مدل تعیین راهکارهای طراحی و اجرای ارزشیابی



گروه‌ها و یکی از صاحبان نظر در ارزشیابی در راهکارهای ۳ تا ۷ ایفای نقش کند که به‌منزله ترکیب راهکار ۲ با این راهکارها است.

با توجه به این‌که در برخی موقعیت‌ها ممکن است امکان دریافت و اعمال نظر برخی از گروه‌های ذینفع ارزشیابی فراهم نباشد، در این موقعیت‌ها ارزش‌یاب باید علاوه بر انجام وظایف خود در هر راهکار، به‌عنوان نماینده این

از میان بناهای موجود، بناهای تاریخی، واجد ارزش‌های مضاعفی هستند و حفاظت از آن‌ها از دیرباز مورد توجه بوده است^۴. در نظریه‌های حفاظت معاصر و اسناد بین‌المللی اخیر مداخلات خلاقانه در بنای تاریخی در قالب پروژه‌های سازگارسازی در جهت حفاظت کاربردی و تداوم بهره‌برداری در مورد آن دسته از بناها که قابلیت چنین مداخلاتی را دارند توصیه شده است (Feilden, 2007, p. x; Jokilehto, 2009, pp. 339-343; ICOMOS, 2011b; Florence Declaration, 2014).

بررسی ادبیات مربوط به حوزه حفاظت و سازگارسازی بناهای تاریخی نشان می‌دهد فرآیند سازگارسازی بنا پس از تعیین بنا و تشخیص امکان سازگارسازی آن در قالب برنامه حفاظتی فرادست آغاز می‌شود و مهم‌ترین موقعیت‌های تصمیم‌گیری، ارزشیابی‌های پشتیبان تصمیمات و سنجش‌های لازم در این رابطه مشتمل بر موارد زیر است:

۳. سازگارسازی بناهای تاریخی و نقش ارزشیابی در این گونه تجارب

سازگارسازی عبارت است از هر عملی در بنا و برای تعمیرات صرف که موجب تغییر عملکرد، ظرفیت و یا کارایی بنا گردد، یعنی هر مداخله‌ای برای وفق دادن، بازبهره‌برداری یا ارتقاء بنا به جهت پاسخ‌گویی به نیازها و شرایط جدید (Douglas, 2006, pp. 1-2). امروزه بین ۵۰ تا ۷۰ درصد از کل فعالیت‌های ساختمانی و حدود نیمی از گردش مالی این حوزه به چنین پروژه‌هایی اختصاص دارد (Douglas, 2006, p. 2; Cramer & Breitling, 2007, p. 9). سازگارسازی فرصتی برای تداوم بقا و بهره‌برداری از بناهای موجود به مثابه ذخیره منابع و معانی فراهم می‌آورد و واجد مزایایی از نظر زیست‌محیطی، اقتصادی، فرهنگی و روانی است (Fitch, 2001; Murtagh, 1997, as cited in Elsorady, 2014, p. 512; Latham, 2000, pp. 5-12; Cramer & Brreitling, 2007, p. 19).

جدول ۲: موقعیت‌های تصمیم‌گیری، ارزشیابی‌ها و سنجش‌های مرتبط در پروژه‌های سازگارسازی بنای تاریخی

ردیف	موقعیت‌های تصمیم‌گیری	ارزشیابی‌ها	سنجش‌ها
۱	انتخاب بنا	ارزشیابی اعتبار فرهنگی بنا	درجه اعتبار فرهنگی بنا از جنبه‌های مختلف (ICOMOS, 2000; Latham, 2000, pp. 55-57; Fielden, 2007, p. 261)
۲	تعیین نحوه رفتار با بنا	ارزشیابی وضعیت بنا	درجه از کارافتادگی بنا (Demas, 2000, p. 34; Langston et al., 2008, p. 1710)
			درجه سازگارپذیری بنا از نظر اقتصادی، قانونی و کالبدی (Douglas, 2006, p. 6; Shahbazi, Bemanian, & Saremi, 2017, p. 70)
۳	تعیین کاربری و الگوی بهره‌برداری	ارزشیابی زمینه مدیریت	میزان مطلوبیت دسترسی‌ها و امکانات زیرساختی و نظارتی (Demas, 2002, p. 41)
			قدرت نفوذ و نیازهای ذینفعان (ICOMOS, 2000; Latham, 2000, pp. 55-57; Demas, 2002, p. 41)
			سطح رفاه اجتماعی اقتصادی فرهنگی محل (ICOMOS, 1999)
۴	تعیین نحوه و حدود مداخلات کالبدی	ارزشیابی تجارب قبلی	کفایت منابع مالی، اطلاعاتی و انسانی (ICOMOS, 2000; Demas, 2002, p. 41)
		ارزشیابی تجارب قبلی	میزان تحقق اهداف و مطلوبیت اثرات تجارب مشابه (Douglas, 2006, p. 511)
۵	تعیین نحوه اجرا	ارزشیابی گزینه‌ها	میزان مطلوبیت اثرات احتمالی و امکان‌پذیری گزینه‌ها (ICOMOS, 2000; Latham, 2000, pp. 55-57; Douglas, 2006, pp. 510-512; Kincaid, 2002, p. 104)
	تعیین نحوه نگهداری و مراقبت پس از اجرا		
۶	تعیین ضرورت تغییر تصمیمات قبلی	ارزشیابی فرآیندها	میزان مطلوبیت فرآیندهای هدف‌گذاری، طراحی و اجرا (ICOMOS, 2000; 2011a; 2011b; Douglas, 2006, p. 545)
		ارزشیابی نتایج اقدامات و پس از بهره‌برداری پروژه	میزان مطلوبیت اثرات بهره‌برداری و تحقق اهداف پروژه (ICOMOS, 2000; 2011a; 2011b; Douglas, 2006, p. 547)

حفاظتی وجود دارد: ارزش مبنا و جامعه‌مبنا (Poulios, 2010, p. 170). گرایش غالب به تسلط افراد خیره و متخصصان بر تصمیم‌گیری‌ها است که در چارچوب رویکرد ارزش‌مبنا قرار می‌گیرد. در این رویکرد ارزش‌های بنا و اولویت‌بندی آن از منظر فرد خیره یا اجماع متخصصان مبنای تصمیمات حفاظتی محسوب می‌شود و نیازهای ذینفعان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. مبانی و رویه تصمیم‌گیری در این رویکرد با چالش‌های زیر روبرو است:

۱. تعدد شاخص‌ها و حوزه‌های تخصصی دخیل (Mason, 2002, p. 5; Feilden, 2007, pp. 261-262)
۲. ذهنی بودن برخی شاخص‌ها (Hodjat, 2001, p. 96; Poulis, 2010, p. 173; Jokilehto, 2009, p. 318)
۳. تضاد و تقابل احتمالی شاخص‌ها (Mason, 2002, p. 5; Feilden, 2007, pp. 261-262; Poulis, 2010, p. 173)
۴. ابهام در اولویت شاخص‌ها (Feilden, 2007, pp. 261-262; Poulis, 2010, p. 173)
۵. اختلاف قدرت نفوذ و بیان متخصصان حوزه‌های مرتبط و بی‌توجهی به دیدگاه یکدیگر (Feilden, 2007, pp. 261-262)
۶. عدم اطمینان در پیش‌بینی نیازها و خواسته‌های آینده ذینفعان (Kincaid, 2002, p. 103)
۷. احتمال بی‌توجهی به منافع و انتظارات واقعی مردم (Elsorady, 2014, p. 520; Poulis, 2010, p. 174)
۸. احتمال توجه صرف به حفاظت کالبد (Poulis, 2010, p. 174) و
۹. احتمال رخداد تعارضات اجتماعی و مقاومت مردم در برابر تصمیمات متخصصان (Coeterier, 2002, p. 111)

این چالش‌ها به‌طور عمده در موقعیت‌هایی که در آن دامنه ذینفعان مشتمل بر عموم مردم است رخ می‌دهد که مشتمل بر ارزشیابی اعتبار فرهنگی بنا، سنجش درجه از کارافتادگی بنا، سنجش ذینفعان و سطح رفاه، ارزشیابی تجارب قبلی، ارزشیابی گزینه‌ها به‌ویژه در تعیین کاربری، ارزشیابی فرآیندهای منتج به تصمیمات مؤثر بر مردم و ارزشیابی پروژه پس از بهره‌برداری است. به‌منظور رفع چالش‌های ذکر شده، گرایشی به سمت کاهش تسلط متخصصان و واگذاری تصمیم‌گیری‌ها به مردم ایجاد شده که رویکرد جامعه‌مبنا را تشکیل می‌دهد. این رویکرد در راستای انطباق بیشتر اهداف حفاظت با انتظارات مردم از یکسو و از سوی دیگر افزایش احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری ایشان در جهت تحقق پایداری اجتماعی شکل گرفته است. در این چارچوب بازبهره‌برداری سازگار بومی با رویکردی پایین به بالا، در برابر شیوه متداول بالا به پایین و تخصص محور مطرح می‌شود (Plevoets & Sowinska-Heim, 2018, p. 13). در اسناد و منشورهای بین‌المللی حوزه حفاظت نیز ضرورت توجه به تفاوت‌های فرهنگی و مشارکت جوامع محلی در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی با درجات مختلف مشاهده می‌شود (ICOMOS, 2010, p. 170).

جان لنگ^۵ در تبیین جایگاه ارزش‌یابی در فرآیند معماری، آن را به دو دسته ارزشیابی‌های قبل از اجرا و ارزشیابی‌های بعد از اجرا و بهره‌برداری تقسیم می‌کند (Lang, 2007, p. 50). ارزشیابی‌های شناسایی‌شده مرتبط با تجارب سازگارسازی را نیز می‌توان شامل موارد زیر دانست: ۱. ارزشیابی‌های قبل و حین اجرا به‌منظور کمک به تصمیم‌گیری‌ها و نظارت در جهت بهبود فرآیند و محصول آن و ۲. ارزشیابی‌های پس از اجرا و بهره‌برداری به‌منظور قضاوت و به اشتراک‌گذاری آموخته‌ها برای بهبود پروژه‌های آتی و یا تعریف دور جدیدی از مداخلات. در اولویت‌بندی و انتخاب بنا برای انجام مداخلات، ارزشیابی اعتبار فرهنگی (تشخیص این‌که چرا بنا مهم است و برای چه کسانی) (Mason, 2002, p. 7; Demas, 2002, p. 34) و سنجش درجه از کارافتادگی بنا (تشخیص ضرورت تغییر در وضعیت بنا) از طریق مقایسه وضعیت موجود با مطلوبیت‌های مورد انتظار ضرورت دارد. در تعیین نحوه رفتار با بنا و سپس بعد از انتخاب احتمالی گزینه سازگارسازی، در تعیین کاربری، طراحی مداخلات و نحوه اجرا و نگهداری، علاوه بر ارزشیابی اعتبار فرهنگی (در تشخیص و اولویت‌بندی جنبه‌های مستلزم حفاظت)، سنجش سازگارپذیری بنا (تشخیص میزان تبدیل‌پذیری، تخریب‌پذیری، بازیافت‌پذیری، توسعه‌پذیری و انعطاف‌پذیری از جنبه کالبدی، قانونی، اقتصادی و فنی)، سنجش درجه از کارافتادگی (در تعیین حدود و جنبه‌های مستلزم مداخله) (Douglas, 2006, p. 3)، ارزشیابی زمینه مدیریت (تشخیص محدودیت‌ها و فرصتهایی که بر توانایی مدیریت در حفاظت اثرگذارند) (Mason, 2002, p. 7; Demas, 2002, p. 34) ارزشیابی تجارب قبلی (در صورت عدم انجام ارزشیابی‌های دوره‌ای در هر پروژه و با عدم دسترسی ارزشیاب به اسناد مربوط به آن ارزشیابی‌ها) و ارزشیابی گزینه‌ها توصیه شده است.

در چارچوب نگرش سیستمی به ارزشیابی، به‌ویژه در ارتباط با موضوعاتی نظیر برنامه‌ها و پروژه‌ها، ارزشیابی زمینه، درون‌داد، فرآیند و برون‌داد موضوع (Stufflebeam & Coryn, 2014, p. 333) و فرارزشیابی ارزشیابی‌ها (Ibid, p. 631) توصیه می‌شود. ارزشیابی‌های ذکر شده در بالا در قالب ارزشیابی زمینه و درون‌داد پروژه‌های سازگارسازی قابل طبقه‌بندی هستند و در کنار آن تمامی فرآیندهای موجود در این‌گونه پروژه‌ها، اعم از فرآیندهای تصمیم‌گیری در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی، فرآیندهای اجرایی و ارزشیابی‌های صورت‌گرفته، مستلزم ارزشیابی هستند. به‌علاوه ارزشیابی نتایج اقدامات و پس از بهره‌برداری از پروژه به مثابه ارزشیابی برون‌داد ضرورت دارد.

۳-۱- چالش‌ها و رویکردهای تصمیم‌گیری در حوزه حفاظت و سازگارسازی بناهای تاریخی

به‌طور کلی دو رویکرد تصمیم‌گیری در حوزه برنامه‌های

بازگرداندن زندگی به بنا، سازگارسازی بناهای تاریخی در قالب طرح‌های مرمت و احیا رو به گسترش گذاشته است. به‌طور کلی در تصمیم‌گیری‌های حوزه حفاظت در ایران و از جمله در پروژه‌های سازگارسازی بناهای تاریخی، گرایش به رویکرد جامعه‌مبنا و تأکید بر ضرورت مشارکت ذینفعان به‌تازگی مطرح شده^۴ (Pakzad, 2017, p. 72) ولی در عمل به دلیل دشواری‌های آن، همچنان رویکرد ارزش‌مبنا مسلط است^۵. در سال‌های اخیر تشکلهای مردمی متعددی در حوزه حفاظت از میراث با هدف افزایش حساسیت و آگاهی عمومی و تاثیرگذاری بر جریان حفاظت شکل گرفته است، اما به دلیل این‌که جایگاه آن‌ها از سوی نهادهای عمومی نظیر شهرداری‌ها به رسمیت شناخته نشده و فقط با قشر خاصی از جوانان، متخصصان و علاقه‌مندان در ارتباط هستند کارایی لازم را نداشته‌اند (Rezae & Faraji, 2018, pp. 33-34). مطالعات نشان می‌دهد عدم آگاهی عمومی از ظرفیت‌های بناهای تاریخی و حفاظت آن‌ها، عدم ارتباط متخصصان با ذینفعان و نادیده گرفتن جلب مشارکت ایشان و در نتیجه ناهماهنگی اهداف با نیازهای واقعی ذینفعان از علل بروز تعارضات اجتماعی و عدم موفقیت برخی تجارب حفاظت و سازگارسازی بناهای تاریخی است^۶ (Razegh, Pirbabaei, & Nadimi, 2014, p. 49; Ghiyaei, Partovi, & Farzad & Behtash, 2014, p. 22).

از سوی دیگر به‌زعم پژوهشگران، در ایران، امر مشارکت مردم در زمینه‌های رسمی با چالش‌های ذهنی و عمیقی روبرو است و با وجود اقبال مراجع قانونی به امر مشارکت و وجود سازوکارهای مربوطه، در کوتاه‌مدت پیگیری فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکتی در راستای تحقق مشارکت واقعی عملی نیست (Piran, 1997 as cited in Musai & Shiani, 2010, p. 265; Pakzad, 2017, pp. 330-331; Shirazi, 2017, pp. 67-71). برای غلبه بر این موانع در کوتاه‌مدت، مشارکت باید در قالب فرآیندهای سازمان‌دهی شده، کم‌هزینه و گام‌به‌گام در طول فرآیند شکل‌گیری و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها صورت پذیرد و در بلندمدت با افزایش تجارب مشارکتی به تدریج امکان رفع چالش‌های ذهنی و توسعه فرهنگ مشارکت فراهم شود (Alavitabar, 2000, p. 50; Musai & Shiani, 2010, p. 265; Habibi & Foroughifar, 2014, p. 12; Pakzad, 2017, pp. 71-72). ارزشیابی به‌عنوان فعالیتی نظام‌مند، همگام با فرآیند پروژه‌ها و کم‌هزینه در مقایسه با سایر فرصت‌ها که امکان نظارت را نیز فراهم می‌آورد، چنین فرآیندی محسوب می‌شود و دارای ظرفیت‌های مناسبی در جهت تحقق مشارکت واقعی و اثرگذاری ذینفعان بر تصمیمات است.

بنابراین در تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران علاوه بر این‌که ارزشیابی‌ها در جهت هدایت و بهبود پروژه جاری یا پروژه‌های آتی نقش دارند، در شرایط فقدان نظام

2011a; 2011b; Declaration, 2014; Habibi & Magh-soudi, 2012, p. 150). تصمیم‌گیری در این رویکرد نیز با چالش‌هایی روبرو است:

۱. تعدد ذینفعان (Kincaid, 2002, p. 13; Yung & Chan, 2011, p. 459);
 ۲. تغییر ذینفعان و انتظارات طی مرور زمان (Mason, 2002, p. 5; Poulis, 2010, p. 175; Yung & Chan, 2011, p. 465);
 ۳. تنوع فرهنگی ذینفعان (Morente, 2001 as cited in Viñas, 2002, p. 28);
 ۴. تقابل منافع ذینفعان (Kincaid, 2002, p. 14; Yung & Chan, 2011, p. 459; Poulis, 2010, p. 173);
 ۵. بی‌توجهی ذینفعان به نگرش و منافع دیگران، حقوق گروه‌های ضعیف و فاقد صدا (Kincaid, 2002, p. 14; Viñas, 2002, p. 30);
 ۶. کمبود دانش ذینفعان در حوزه حفاظت و ناتوانی در تحلیل شاخص‌های متعدد و متنوع تخصصی (Hodjat, 2001, p. 106; De la Torre, 2002, p. 4; Yung & Chan, 2011, p. 459);
 ۷. بی‌توجهی به ارزش‌های نامحسوس بنا و گرایش صرف به جنبه‌های اقتصادی (Hodjat, 2001, p. 108; Viñas, 2002, p. 30);
 ۸. تأثیرگذاری تبلیغات ذینفعان صاحب قدرت (Yung & Chan, 2011, p. 465) و
 ۹. فقدان مکانیسم مشارکت ذینفعان (Ibid, p. 463)
- برخی از این چالش‌ها در جوامع دارای فاصله از میراث محتمل‌تر است و چنان‌که در بیانیه فلورانس^۷ اشاره شده است، متخصصان در برقراری ارتباط بین جامعه و میراث و کنترل اثرات سوء مشارکت مردمی نقش مهمی دارند (Declaration, 2014). به اعتقاد صاحب‌نظران غلبه بر چالش‌های ذکر شده از طریق سازمان‌دهی فرآیندی تعاملی و مبتنی بر گفتگو و توافق میسر است که در عین استفاده از مشارکت ذینفعان، متخصصان به‌عنوان راهنما، تسهیلگر مشارکت عادلانه و نماینده نسل‌های آینده در آن ایفای نقش کنند. این شیوه که تحت عنوان حفاظت مذاکره‌ای شناخته می‌شود، متمرکز بر دستیابی به توافقی بین همه طرف‌های دخیل در حفاظت اعم از ذینفعان و متخصصان در تصمیم‌گیری‌ها است (Viñas, 2002, p. 30).

۳-۲- ظرفیت‌های ارزشیابی در رفع چالش‌های تصمیم‌گیری در تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران

در ایران حفاظت بناهای تاریخی به دلیل ارزش‌های باستان‌شناختی و فرهنگی عموماً به‌صورت نگهداری و مرمت در چارچوب وظایف دولت قرار داشته است. در سال‌های اخیر با شناسایی ظرفیت‌های اقتصادی بناهای تاریخی و تغییر نگرش به حفاظت از طریق احیا به مفهوم

تصمیم‌گیری مشارکتی، می‌توان از ظرفیت‌های آن در روشنگری و تقویت درک مشترک نسبت به ارزش‌های بنا و اهداف حفاظت و در نهایت رفع چالش‌های تصمیم‌گیری استفاده نمود.

۴- بررسی وضعیت عوامل مؤثر بر انتخاب راهکارها در موقعیت‌های ارزشیابی قابل طرح در تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران

در مورد عوامل وجود اتفاق نظر، امکان توافق و امکان توسعه ارزشیابی، تعیین وضعیت وابسته به نظرات دریافت شده، ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی گروه‌های دخیل و امکانات مالی و زمانی در دسترس برای انجام ارزشیابی بوده و غیرقابل پیش‌بینی است.

در خصوص عامل اولویت ارزشیابی نیز تمامی ارزشیابی‌های شناسایی شده، به‌جز ارزشیابی پروژه پس از بهره‌برداری، به‌منظور پیشبرد و بهبود پروژه جاری صورت می‌پذیرند و باید به نتیجه مشخصی در این جهت برسند. بنابراین در این ارزشیابی‌ها اولویت با یکسان‌سازی نظرات است. ارزشیابی پروژه پس از بهره‌برداری، یا به‌منظور کمک به تصمیم‌گیری برای پروژه‌های آتی و یا صرفاً به‌منظور آگاهی‌رسانی صورت می‌پذیرد که اولویت ارزشیابی در حالت اول با یکسان‌سازی نظرات و در حالت دوم با انعکاس نظرات مختلف خواهد بود.

وضعیت دو عامل ضرورت و امکان نظرخواهی با توجه به ماهیت ارزشیابی‌های معرفی شده در بخش قبل و ویژگی‌های زمینه تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران قابل بررسی است.

۴-۱- ارزشیابی اعتبار فرهنگی بنا

۱. ضرورت نظرخواهی: در این ارزشیابی و در چارچوب رویکرد جامعه‌مبنا، توجه به معانی متکثر بنای تاریخی از منظر گروه‌های مختلف اهمیت دارد و با توجه به محدودیت اتخاذ فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکتی در ایران، ضرورتی دوچندان دارد. بنابراین دریافت نظرات گروه‌ها اعم از ذینفعان بنا و متخصصان حوزه حفاظت در تعیین و سنجش مشخصه‌های اعتبار بنا به‌منزله امری ذهنی و کیفی لازم است.

۲. امکان نظرخواهی: در خصوص متصدیان به دلیل حضور مستقیم در پروژه، آگاهی از جنبه‌های محتمل اعتبار بنا و تمایل به پیشبرد پروژه، امکان دریافت و اعمال نظرات وجود دارد. چنان‌که ذکر شد، تمایل و امکان مشارکت در ارزشیابی نزد گروه‌های ذینفع واجد صدای پروژه وجود دارد و مشکلاتی از قبیل ناآگاهی گروه‌ها از موضوع یا نابرابری فرصت مشارکت، از طریق حمایت متخصصان و تسهیلگری ارزش‌یاب قابل‌رفع است. از آنجاکه در این

ارزشیابی منافع نسل‌های آینده نیز مطرح است، در مجموع امکان نظرخواهی محدود است.

۴-۲- ارزشیابی وضعیت بنا

۱. ضرورت نظرخواهی: در سنجش درجه ازکارافتادگی بنا به دلیل ابتدای آن بر مفهوم مطلوبیت بنا از منظر بهره‌برداران، به‌ویژه از جنبه عملکردی و معنایی، دریافت نظرات ضرورت دارد. ولی درمورد سنجش درجه سازگارپذیری بنا به دلیل عینی و کمی بودن جنبه‌ها و معیارهای مورد بررسی این امر ضرورتی ندارد.

۲. امکان نظرخواهی: در سنجش درجه ازکارافتادگی غیر از متخصصان حوزه‌های مربوطه فقط دریافت نظرات بهره‌برداران فعلی بنا مطرح است و چنان‌که ذکر شد در خصوص این گروه‌ها امکان نظرخواهی وجود دارد. در خصوص سنجش درجه سازگارپذیری به دلیل عدم لزوم دریافت نظرات، بررسی این عامل تأثیری ندارد.

۴-۳- ارزشیابی زمینه مدیریت

۱. ضرورت نظرخواهی: در سنجش قدرت نفوذ^{۱۱} و نیازهای ذینفعان و سطح رفاه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی محل، به دلیل ذهنی و کیفی بودن موضوعات مورد بررسی، دریافت نظرات ضرورت دارد. در سنجش میزان مطلوبیت دسترسی‌ها و امکانات زیرساختی و نظارتی و نیز سنجش کفایت منابع مالی، اطلاعاتی (وجود مستندات مربوط به بنا) و انسانی (وجود نیروهای متخصص لازم) (Demas, 2002, pp. 41-42) به دلیل عینی و کمی بودن جنبه‌ها و معیارهای مورد بررسی این امر ضرورتی ندارد.

۲. امکان نظرخواهی: در سنجش قدرت نفوذ و نیازهای ذینفعان، باتوجه به مطرح بودن منافع نسل‌های آینده و بهره‌برداران آتی، امکان دریافت و اعمال نظرات محدود است. در سنجش سطح رفاه اجتماعی اقتصادی فرهنگی محل، صرفاً منافع و نظرات مردم محلی مطرح بوده و نظرخواهی از ایشان چنان‌که قبلاً اشاره شد امکان‌پذیر است. در سایر سنجش‌های زیر مجموعه این ارزشیابی، به دلیل عدم ضرورت دریافت نظرات بررسی این عامل تأثیری ندارد.

۴-۴- ارزشیابی تجارب قبلی

۱. ضرورت نظرخواهی: در این ارزشیابی میزان موفقیت راهکارهای اندیشیده و اجرا شده در نمونه‌های مشابه در دستیابی به اهداف و مطلوبیت اثرات آن از منظر متصدیان و ذینفعان هر پروژه در بازه‌های زمانی مختلف مورد سنجش قرار می‌گیرد. بنابراین دریافت نظرات ایشان در این ارزشیابی ضرورت دارد.

۲. امکان نظرخواهی: با توجه به احتمال عدم دسترسی به

دریافت و اعمال نظرات محدود است.

۵. نتیجه‌گیری

ارزشیابی‌ها واجد ظرفیت‌های مختلفی در جهت بهبود، قضاوت و پاسخگویی در مورد موضوع، روشنگری در خصوص آن و توانمندسازی ذینفعان هستند و در چارچوب الگوهای متنوعی طراحی و اجرا می‌شوند. مجموعه‌ای از راهکارها در هر الگو به کار بسته می‌شود که گروه‌های دخیل و نقش آنان در ارزشیابی را معین می‌کند. با توجه به گسترش تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در کشور و ورود بخش خصوصی به این عرصه از یکسو، و از سوی دیگر فقدان نظام رسمی ارزشیابی این گونه پروژه‌ها، ضرورت طراحی و اجرای ارزشیابی‌ها در چارچوب الگوی مناسب در راستای بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف آن احساس می‌شود. به این منظور وضعیت عوامل مؤثر بر تعیین راهکارها در ارزشیابی‌های قابل طرح در سازگارسازی بناهای تاریخی با توجه به ویژگی‌های زمینه‌ای این‌گونه تجارب در ایران مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به وضعیت این عوامل و با استفاده از مدل تعیین راهکارها (جدول ۱)، گروه‌های دخیل و نقش آنان در هر ارزشیابی قابل شناسایی است. با توجه به این‌که در مدل مذکور اثربخشی هر عامل منوط به وضعیت عامل فرادست است، برای شناسایی راهکارها، وضعیت هر عامل به ترتیب با مدل مطابقت داده شده و در صورت لزوم عوامل بعدی دخالت داده شده است. تشخیص وضعیت قطعی برخی از عوامل وابسته به نظرات دریافت شده، ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی گروه‌های دخیل و امکانات مالی و زمانی در دسترس برای انجام ارزشیابی بوده و غیرقابل پیش‌بینی است. از این رو در برخی موقعیت‌ها وضعیت محتمل عوامل مؤثر در نظر گرفته شده و متعاقب آن مجموعه‌ای از راهکارها متشکل از گروه‌های دخیل و نقش آنان در ارزشیابی ارائه شده است. به منظور استفاده از چارچوب، ابتدا لازم است از میان موارد مندرج در ستون اول و دوم، ارزشیابی و سنجش مورد نظر شناسایی شود. در گام بعدی ستون‌های شش‌گانه مربوط به وضعیت عوامل مؤثر بر تعیین راهکارها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مرحله، در صورت مؤثر بودن عوامل غیر قابل پیش‌بینی، لازم است ردیف منطبق با وضعیت رخ داده در پروژه برای هر مرحله از ارزشیابی به‌طور مجزا مشخص شود. در نهایت با در نظر گرفتن گروه‌های دخیل و نقش آنان در ارزشیابی و سنجش مورد نظر، راهکار متناظر با ردیف مذکور را می‌توان در طراحی و اجرای مراحل مختلف ارزشیابی به کار بست.

برخی از گروه‌های مذکور در زمان انجام ارزشیابی، امکان دریافت و اعمال نظرات در این ارزشیابی محدود است.

۴-۵- ارزشیابی گزینه‌ها

۱. ضرورت نظرخواهی: تصمیم‌گیری در خصوص برخی گزینه‌ها نظیر نحوه رفتار با بنا، کاربری، نحوه مداخله، اجرا و نگهداری بر منافع گروه‌های ذینفع پروژه اثرگذار است. بنابراین نظرخواهی از ایشان در کنار متصدیان حوزه‌های مربوطه در سنجش مطلوبیت گزینه‌ها اهمیت دارد.
۲. امکان نظرخواهی: از آنجا که امکان دسترسی به برخی از گروه‌های ذینفع نظیر مراجعین آتی بنا و نسل‌های آینده به عنوان گروه‌های فاقد صدا وجود ندارد در این ارزشیابی امکان دریافت و اعمال نظرات محدود است.

۴-۶- ارزشیابی فرآیندها

۱. ضرورت نظرخواهی: فرآیندهای ارزشیابی و تصمیم‌گیری منجر به اطلاعات و تصمیماتی مؤثر بر منافع گروه‌ها می‌شود و مطلوبیت آن بعضاً در گرو تحقق دریافت و اعمال نظرات ذینفعان یا ارزشیاب به عنوان نماینده ذینفعان فاقدصدا است. بنابراین رضایت ایشان از کلیت فرآیند و نحوه نظرخواهی اهمیت دارد^{۱۲}. در ارزشیابی فرآیندهای اجرایی، سنجش مطابقت فرآیند با ضوابط و برنامه پروژه و کنترل مشخصات کمی و کیفی مورد نظر مطرح است. در این مورد احتمال ضرورت تغییراتی به منظور پیشبرد پروژه وجود دارد که منوط به دریافت و تبادل نظر متصدیان بخش طراحی و اجرای پروژه و ناظران مربوطه است (Douglas, 2006, p. 547). بنابراین در ارزشیابی فرآیندها، دریافت نظرات متصدیان و گروه‌های ذینفع واجدصدا ضرورت دارد.
۲. امکان نظرخواهی: چنان‌که قبلاً ذکر شد در مورد این گروه‌ها امکان نظرخواهی وجود دارد.

۴-۷- ارزشیابی نتایج فرآیندهای اجرایی و پس از بهره‌برداری از پروژه

۱. ضرورت نظرخواهی: همانند ارزشیابی گزینه‌ها، در ارزشیابی نتایج اجرایی نمودن گزینه‌ها و ارزشیابی پروژه پس از بهره‌برداری، از آنجا که مطلوبیت اثرات آن از منظر ذینفعان و دستیابی به اهداف مورد نظر متصدیان مطرح است، دریافت نظرات ایشان ضرورت دارد.
۲. امکان نظرخواهی: در این ارزشیابی با توجه به مطرح بودن منافع بهره‌برداران آتی بنا (در مورد ارزشیابی نتایج اقدامات پیش از بهره‌برداری) و نسل‌های آینده، امکان

جدول ۳: چارچوب شکل‌دهی به الگوی مناسب در موقعیت‌های ارزشیابی قابل‌طرح در تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران

ارزشیابی‌ها	سنجش‌ها	وضعیت عوامل مؤثر بر تعیین راهکارها					گروه‌های دخیل و نقش آنان در ارزشیابی	راهکارهای محتمل مطابق مدل تعیین راهکارها
		امکان توسعه ارزشیابی	امکان توافق	اولویت ارزشیابی	وجود اتفاق نظر	امکان نظرخواهی		
اعتبار فرهنگی بنا	درجه اعتبار فرهنگی بنا از جنبه‌های مختلف	محدود	عدم اتفاق نظر	دستیابی به نتیجه قطعی	بی‌تأثیر	ارزشیاب: شناسایی گروه‌ها، اظهارنظر به‌عنوان نماینده نسل‌های آینده و بهره‌برداران آتی، کمک به اظهارنظر و مشاوره به ذینفعان بنا - متصدیان ذیربط و ذینفعان واجد صدای بنا اعم از مالک، بهره‌برداران فعلی، مردم محلی، تشکل‌های مردم‌نهاد ذیربط: اظهارنظر در خصوص مشخصه‌های سنجش، اولویت آن‌ها و وضعیت اعتبار بنا	۲ و ۳: نظرات همسوی گروه‌ها و ارزش‌یاب به‌عنوان نماینده گروه‌های فاقد صدا می‌تواند عیناً به‌عنوان جمع‌بندی ملاک عمل مرحله بعد قرار گیرد.	
							۴ و ۵: نمایندگان گروه‌ها و ارزش‌یاب به‌عنوان نماینده گروه‌های فاقد صدا می‌تواند با تسهیلگری ارزش‌یاب به جمع‌بندی موردتوافق به‌عنوان ملاک عمل مرحله بعد برسند.	
							۵ و ۲: ارزش‌یاب می‌تواند با توجه به نظرات گروه‌ها و تلقی خود از دیدگاه و منافع گروه‌های فاقد صدا به جمع‌بندی ذهنی به‌عنوان ملاک عمل مرحله بعد برسد.	
وضعیت بنا	درجه از کارافتادگی بنا از نظر کالبدی، عملکردی و معنایی	✓	عدم اتفاق نظر	دستیابی به نتیجه قطعی	بی‌تأثیر	ارزشیاب: شناسایی گروه‌ها، کمک به اظهارنظر و مشاوره به مالک و بهره‌برداران فعلی بنا (در صورت متروکه نبودن بنا) - متصدیان ذیربط و ذینفعان واجد صدای بنا اعم از مالک و بهره‌برداران فعلی بنا: اظهارنظر در خصوص مشخصه‌های سنجش، اولویت آن‌ها و وضعیت بنا	۳: نظرات دریافت شده می‌تواند به‌عنوان جمع‌بندی ملاک عمل مرحله بعد قرار گیرد.	
							۴: نمایندگان گروه‌ها با تسهیلگری ارزش‌یاب می‌توانند به یک جمع‌بندی موردتوافق به‌عنوان ملاک عمل مرحله بعد برسند.	
زمینه مدیریت	میزان مطلوبیت دسترسی‌ها و امکانات	-	-	-	بی‌تأثیر	ارزشیاب: گردآوری مشخصه‌ها و حدود تعیین‌کننده امکان سازگارسازی بنا و اولویت‌بندی آن، سنجش سازگاری‌پذیری بنا	۱: ارزش‌یاب بدون نظرخواهی می‌تواند در هر مرحله به جمع‌بندی برسد و آن را ملاک عمل مرحله بعد قرار دهد.	
							۱	

ارزشیابی‌ها	سنجش‌ها	وضعیت عوامل مؤثر بر تعیین راهکارها						گروه‌های دخیل و نقش آنان در ارزشیابی	راهکارهای محتمل مطابق مدل تعیین راهکارها
		امکان توسعه ارزشیابی	امکان توافق	اولویت ارزشیابی	وجود اتفاق نظر	امکان نظر خواهی	ضرورت نظر خواهی		
زمینه مدیریت	قدرت نفوذ و نیازهای ذینفعان	محدود	عدم اتفاق نظر	تأثیر بی	تأثیر بی	تأثیر بی	ارزشیاب: شناسایی گروه‌ها، اظهار نظر به عنوان نماینده نسل‌های آینده و بهره‌برداران آتی، کمک به اظهار نظر و مشاوره به سایر ذینفعان - متصدیان ذیربط و ذینفعان واجد صدای بنا: اظهار نظر در خصوص مشخصه‌های سنجش، اولویت آن‌ها و وضعیت توزیع قدرت و توقعات از بنا	۳ و ۲	
								۴ و ۲	
								۵ و ۲	
اطلاعاتی و انسانی	کفایت منابع مالی، اطلاعاتی و انسانی	-	عدم اتفاق نظر	تأثیر بی	تأثیر بی	تأثیر بی	ارزشیاب: شناسایی گروه‌ها، کمک به اظهار نظر و مشاوره به مردم محل - مردم محل: اظهار نظر در خصوص مشخصه‌های سنجش، اولویت آن‌ها و وضعیت سطح رفاه محل	۳	
								۴	
								۵	
تجارب قبلی	میزان تحقق اهداف و مطلوبیت اثرات تجارب مشابه	محدود	عدم اتفاق نظر	تأثیر بی	تأثیر بی	تأثیر بی	ارزشیاب: گردآوری مشخصه‌ها و حدود کفایت منابع و اولویت‌بندی آن، سنجش کفایت منابع	۱	
								۳ و ۲	
								۴ و ۲	
گزینه‌ها	میزان مطلوبیت اثرات احتمالی و امکان‌پذیری گزینه‌ها	محدود	عدم اتفاق نظر	تأثیر بی	تأثیر بی	تأثیر بی	ارزشیاب: شناسایی گروه‌ها، اظهار نظر به عنوان نماینده نسل‌های آینده و بهره‌برداران آتی، کمک به اظهار نظر و مشاوره به ذینفعان - متصدیان ذیربط و ذینفعان واجد صدای پروژه: اظهار نظر در خصوص مشخصه‌های سنجش، اولویت آن‌ها و مطلوبیت گزینه‌ها	۳ و ۲	
								۴ و ۲	
								۵ و ۲	

ارزشیابی‌ها	سنجش‌ها	وضعیت عوامل مؤثر بر تعیین راهکارها						راهکارهای احتمالی مطابق مدل تعیین راهکارها
		امکان توسعه ارزشیابی	امکان توافق	اولویت ارزشیابی	وجود اتفاق نظر	امکان نظرخواهی	ضرورت نظرخواهی	
فرآیندها	میزان مطلوبیت فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرا	عدم اتفاق نظر	-	تی تأثیر	تی تأثیر	اتفاق نظر	۳	
						عدم اتفاق نظر		تی تأثیر
						عدم اتفاق نظر		تی تأثیر
نتایج اقدامات و پروژه	میزان مطلوبیت اثرات اقدامات و تحقق اهداف پروژه	عدم اتفاق نظر	-	تی تأثیر	تی تأثیر	اتفاق نظر	۳ و ۲	
						عدم اتفاق نظر		تی تأثیر
						عدم اتفاق نظر		تی تأثیر
۶ و ۲: مجموعه متکثر نظرات ناهم‌سوی گروه‌ها و ارزش‌یاب به‌عنوان نماینده گروه‌های فاقد صدا می‌تواند ملاک عمل مرحله بعد قرار گیرد.	۶ و ۲: مجموعه متکثر نظرات ناهم‌سوی گروه‌ها و ارزش‌یاب به‌عنوان نماینده گروه‌های فاقد صدا می‌تواند ملاک عمل مرحله بعد قرار گیرد.	عدم اتفاق نظر	-	تی تأثیر	تی تأثیر	محدود	۳ و ۲	
						عدم اتفاق نظر		تی تأثیر
۷ و ۲: ارزشیابی می‌تواند پس از گردآوری نظرات گروه‌ها و ارزش‌یاب به‌عنوان نماینده گروه‌های فاقد صدا متوقف‌شده و مجموعه نظرات متکثر گزارش شود.	۷ و ۲: ارزشیابی می‌تواند پس از گردآوری نظرات گروه‌ها و ارزش‌یاب به‌عنوان نماینده گروه‌های فاقد صدا متوقف‌شده و مجموعه نظرات متکثر گزارش شود.	عدم اتفاق نظر	-	تی تأثیر	تی تأثیر	محدود	۷ و ۲	

۶. پیشنهاداتی برای مطالعات آتی

چارچوب ارائه شده همانند سایر سامانه‌های منطقی لازم است در مقام عمل محک خورده مورد حک و اصلاح قرار گیرد. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهشگران از این چارچوب در تدوین الگو و طراحی ارزشیابی‌ها استفاده کرده، به توسعه و بهبود آن کمک کنند. لازم به ذکر است در کنار الگوی ارزشیابی، تعیین گونه ارزشیابی نیز در طراحی ارزشیابی‌ها نقش دارد که به‌منظور جلوگیری از طولانی شدن مطلب بررسی آن به مقالات آتی موکول می‌شود.

لازم به ذکر است ارزشیاب در موقعیت‌های مقتضی نسبت به ارائه مشاوره به مشارکت‌کنندگان اقدام می‌نماید و در تمام ارزشیابی‌ها مسئولیت سازماندهی ارزشیابی و گزارش نتایج را نیز بر عهده دارد. چارچوب ارائه شده یک پیشنهاد اولیه در راستای ساماندهی به نحوه طراحی و اجرای ارزشیابی‌های مرتبط با پروژه‌های سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران است. با توجه به نقشی که مشارکت در ارزشیابی می‌تواند در تحقق مشارکت واقعی مردم و کاهش تعارضات اجتماعی در اینگونه پروژه‌ها ایفا کند، توصیه می‌شود در موقعیت‌هایی که منافع عموم مردم مطرح است، استفاده از راهکارهای مبتنی بر مشارکت و نظرخواهی (راهکارهای ۳ و ۴ و ۶) در اولویت قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. در زمان تدوین این مقاله، طبق بررسی‌های انجام‌شده، تهیه نظام نظارت بر فعالیت‌های احیا (ارزیابی، پایش فنی و کنترل پروژه) در صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن فرهنگی و تاریخی کشور در دست اقدام است.
۲. وجود اتفاق نظر قطعی در شرایط واقعی کم‌تر امکان‌پذیر است و وجود درجه‌ای از توافق بین نظرات به‌عنوان یک اتفاق نظر نرم مورد پذیرش قرار می‌گیرد. به این منظور مدل‌های مختلفی برای سنجش میزان نزدیکی نظرات بیان شده و تأیید وجود اتفاق نظر شکل گرفته است (Herrera-Viedma, Cabrerizo, Kacprzyk, & Pedrycz, 2014, p. 8).
۳. پژوهشگران عوامل متعددی را در دستیابی به توافق در مذاکرات مؤثر دانسته‌اند که از بین آن‌ها برخی که به شخصیت و عواطف افراد مرتبط است از طریق مجری مذاکرات قابل کنترل نمی‌باشد (Ryan, 2000, p. 25; Butler & Rothstein, 2007, p. 22).
۴. یوکیلهتو در کتاب تاریخ حفاظت معماری، به‌طور مفصل به بررسی تحول نگرش‌ها به بنای تاریخی و در نتیجه تغییر نحوه مواجهه با آن در طول تاریخ و در زمینه‌های فرهنگی متفاوت پرداخته است (Jokilehto, 2009).

5. Lang

6. Metaevaluation

7. Florence Declaration

۸. انعکاس این رویکرد در ایران در منشور مرمت معماری (Falamaki, 2016, p. 225) دیده می‌شود که در آن به‌ضرورت مشارکت ذینفعان در برنامه‌های حفاظتی اشاره شده است.
۹. حجت دو رویکرد رایج تکیه بر نظر متخصصان و یا رجوع صرف به خواسته‌های مردم را رد می‌کند و ضمن تأکید بر اهمیت جلب حمایت مردم به‌ویژه در بخش تأمین منابع، به دلیل فقدان آگاهی نزد ایشان، به لزوم ارتقا سطح فرهنگی مردم و آگاه‌سازی ایشان در خصوص ارزش‌های ذاتی میراث اشاره می‌نماید (Hodjat, 2001, pp. 106-108).
۱۰. در این ارتباط می‌توان به نارضایتی ساکنین بافت تاریخی از تغییر کاربری خانه‌های تاریخی به هتل و تبعات فرهنگی تردد مهمانان در بافت اشاره نمود که در برخی موارد منجر به تعرض به مهمانان نیز شده است (Manouchehri, 2016).
۱۱. قاسمی، حسین قلی‌زاده و نوغانی در پژوهش خود عوامل کیفی مؤثر بر سنجش توزیع قدرت را از ادبیات مربوطه استخراج نموده و از دریافت نظرات پاسخگویان در این زمینه بهره‌برده‌اند (Ghasemi, Hossein Gholi Zadeh, & Noghani Dokht, 2018).
۱۲. ارزشیاب به‌عنوان عامل دریافت و اعمال نظرات می‌تواند در خصوص نحوه عمل خود نظر داشته باشد که در قالب خودارزشیابی تعریف می‌شود ولی همان‌طور که اشاره شد حالت ارجح این است که یک فرا ارزشیابی در این خصوص صورت پذیرد.

REFERENCES

- Alavitabar, A. (2000). Participation in Managing of Cities. 1. Study on Pattern of Citizens Participation in Managing of Cities. Tehran: Municipalities Organization of Iran.
- Alexander, E.R. (2006). Evaluation in Planning: Evolution and Prospects, Ashgate Publishing, Ltd.
- Butler, C.L., & Rothstein, A. (2007). On Conflict and Consensus: A Handbook on Formal Consensus Decision-making, Citeseer.
- Coeterier, J.F. (2002). Lay People's Evaluation of Historic Sites. *Landscape and Urban Planning*, 59(2), 111-123.
- Cramer, J., & Breitling, S. (2007). Architecture in Existing Fabric: Planning, Design, Building. Walter De Gruyter.
- De La Torre, M. (Ed). (2002). Assessing the Values of Cultural Heritage: Research Report. Los Angeles, CA, Getty Conservation Institute.
- Demas, M. (2002). Planning for Conservation and Management of Archaeological Sites. In Teutonico, J., Teutonico, J.M., Palumbo, G., Palumbo, D.A.C.G., Institute, G.C., & University, L.M. Management Planning For Archaeological Sites: An International Workshop Organized by the Getty Conservation Institute and Loyola Marymount University, 19-22 May 2000, Corinth, Greece: Getty Conservation Institute. Proceedings (27-54).
- Douglas, J. (2006). Building Adaptation. 2nd Edition. Routledge.
- Elsorady, D.A. (2014). Assessment of the Compatibility of New Uses for Heritage Buildings: The Example of Alexandria National Museum, Alexandria, Egypt. *Journal of Cultural Heritage*, 15(5), 511-521.
- Falamaki, M. (2016). Chart of Architectural Restoration. Tehran: Faza.
- Feilden, B. (2007). Conservation of Historic Buildings. 3rd Edition. Routledge.
- Florence Declaration. (2014). Florence Declaration on the Links between Biological and Cultural Diversity. 1st European Conference for the Implementation of the UNESCO-SCBD Joint Program on Biological and Cultural Diversity. Florence, Italy.
- Ghasemi, Z., Hossein Gholi Zadeh, R., & Noghani Dokht Bahmani, M. (2018). Factors Affecting the Distribution of Power in the Organizational Network with Emphasis on the Network Analysis Approach. *Organizational Resources Management Researchs*, 8(1), 133-155.
- Ghiyaei, M., Partovi, P., & Farzad Behtash, M. (2014). Analytical Framework and Methodology for Revitalizing Historical Districts and Areas Case Study Kerman's Bazaar Shah District. *Scientific Journal of Maremat & Me'mari-E Iran (Quarterly)*, 3(6), 1-26.
- Guba, E.G., & Lincoln, Y.S. (2001). Guidelines and Checklist for Constructivist (Aka Fourth Generation) Evaluation. Retrieved From <https://Wmich.Edu/Evaluation/Checklists>
- Habibi, S.M., & Foroughifar, M. (2014). Finding Some Strategies for Encouraging People to Cooperate in Urban Renovation Plans Based on the Game Theory. *MEMARI-VA-SHAHRSAZI (HONAR-HA-YE-ZIBA)*, 18(4), 5-14.
- Habibi, S.M., & Maghsoudi, M. (2012). Urban Renovation. 6th Edition. Tehran: University of Tehran.
- Herrera-Viedma, E., Cabrerizo, F.J., Kacprzyk, J., & Pedrycz, W. (2014). A Review of Soft Consensus Models in a Fuzzy Environment. *Information Fusion*, 17, 4-13.
- Hodjat, M. (2001). Cultural Heritage in Iran: Policies for an Islamic Country: Iranian Cultural Heritage Organization.
- ICOMOS, General Assembly. (1999). International Cultural Tourism Charter, Managing Tourism at Places of Heritage Significance. Available At: http://International.Icomos.Org/Charters/Tourism_E.Pdf
- ICOMOS, Australia National Committee. (2000). The Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance 1999: With Associated Guidelines and Code on the Ethics of Co-Existence: Australia ICOMOS. Retrieved From <http://Australia.Icomos.Org/Publications/Burra-Charter-Practice-Notes/Burra-Charter-Archival-Documents>
- ICOMOS, General Assembly. (2011, A). The Paris Declaration. On Heritage as a Driver of Development. Retrieved From https://Www.Icomos.Org/Paris2011/GA2011_Declaration_De_Paris_EN_20120109.Pdf
- ICOMOS, General Assembly. (2011, B). The Valletta Principles for the Safeguarding and Management of Historic Cities, Towns and Urban Areas. Available At: https://Www.Icomos.Org/Paris2011/GA2011_CIVVIH_Text_EN_FR_Final_20120110.Pdf
- Jokilehto, J. (2009). History of Architectural Conservation. (M.H. Talebian & KH. Bahari, Trans.). Tehran: Rozaneh.
- Kincaid, D. (2002). Adapting Buildings for Changing Uses: Guidelines for Change of Use Refurbishment: Spon Press.
- Lang, J.T. (2007). Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design. (A. Einifar, Trans.). Tehran: University of Tehran.
- Langston, C., Wong, F.K.W., Hui, E.C.M., & Shen, L.Y. (2008). Strategic Assessment of Building Adaptive Reuse Opportunities in Hong Kong. *Building and Environment*, 43(10), 1709-1718. [Doi: Http://Dx.Doi.Org/10.1016/J.Buildenv.2007.10.017](http://Dx.Doi.Org/10.1016/J.Buildenv.2007.10.017)

- Latham, D. (2000). *Creative– Re-Use of Buildings: Principles And Practice*: Donhead.
- Manouchehri, S. (2016). The Manouchehri House Experience. The Fourth Meeting of the Fifth Series of Thematic Meetings of Urban Development and Revitalization Corporation on the Reuse of Valuable Buildings.
- Mason, R. (2002). Assessing Values in Conservation Planning: Methodological Issues and Choices. In De La Torre, M. (Ed.), *Assessing the Values of Cultural Heritage*, 5-30. Los Angeles, CA, Getty Conservation Institute.
- Moein, M.H.M. (2009). *Program Evaluation Principles*. Tehran: Moein Institute of Empowerment Evaluation.
- Musai M., & Shiani, M. (2010). Participation in Urban Affairs and Its Requirements in City of Tehran. *Social Welfare*, 1(38), 245-268.
- Pakzad, J. (2017). Historical Obstacles Preventing Public Participation in Iran: A Planning Practitioner's Point of View. In Dienel Hans-Liudger; Shirazi M Reza; Schröder Sabine, Schmithals Jenny. *Citizens' Participation in Urban Planning and Development in Iran*. 55-73. Taylor & Francis.
- Patton, M.Q. (2011). *Developmental Evaluation: Applying Complexity Concepts to Enhance Innovation and Use*, Guilford Press.
- Parhizkar, A. (2009). Document for Revival and Utilization of Historical and Cultural Places. The Fund for Revival and Utilization of the Cultural and Historic Buildings and Places.
- Plevoets, B., & Sowinska-Heim, J. (2018). Community Initiatives as a Catalyst for Regeneration of Heritage Sites: Vernacular Transformation and Its Influence on the Formal Adaptive Reuse Practice. *Cities*, 78, 128-139.
- Poullos, I. (2010). Moving Beyond a Values-Based Approach to Heritage Conservation. *Conservation and Management of Archaeological Sites*, 12(2), 170-185.
- Razeghi A., Pirbabaie, M.T., & Nadimi, H. (2014). Causes for the Emergence of Social Conflicts in Architectural Heritage Conservation (A Case Study: The World Registered Heritage of Soltaniyeh Dome and Citadel). *Journal of Studies on Iranian-Islamic City*, 4(13), 45-54.
- Rezae, N., & Faraji, F. (2018). An Evaluation of the Role of Ngos in Heritage Conservation; a Comparative Study on Iran and France. *Hoviatshahr*, 12(33), 27-36.
- Ryan, M.F. (2000). Factors Affecting Consensus in the Community Stakeholder Committee Process to Prepare a Solid Waste Management Strategy for the Halifax Region, Dalhousie University.
- Saif, A.A. (2013). *Educational Measurement, Assessment, and Evaluation*. 6th Edition. Tehran: Doran.
- Scriven, M. (1991). *Evaluation Thesaurus*, SAGE.
- Shahbazi, M., Bemanian, M.R., & Saremi, H.R. (2017). Analysis of Effective Key Factors in Adaptability of a Building in the Future with an Emphasis on Flexibility in Historical Buildings (Case Study: Bu-Ali of Hamadan). *Space Ontology International Journal*, 6(1), 69-78.
- Shirazi, M.R. (2017). Concluding Remark: Paradox of Citizen Participation in Iran. In Dienel Hans-Liudger; Shirazi M Reza; Schröder Sabine, Schmithals Jenny. *Citizens' Participation in Urban Planning and Development in Iran*. 327-331. Taylor & Francis.
- Stufflebeam, D.L., & Coryn, C.L.S. (2014). *Evaluation Theory, Models, and Applications*, Wiley.
- Viñas, S.M. (2002). Contemporary Theory of Conservation. *Studies in Conservation*, 47(Sup1), 25-34
- Yadegarzadeh, G.R., Bahrami, A., & Parand, K. (2007). *Introduction to Evaluation Models*. Tehran: Yadvare-E Ketab.
- Yung, E.H., & Chan, E.H. (2011). Problem Issues of Public Participation in Built-Heritage Conservation: Two Controversial Cases in Hong Kong. *Habitat International*, 35(3), 457-466.

نحوه ارجاع به این مقاله

ناصرالمعمار، علیرضا و امین پور، احمد. (۱۳۹۹). ارزش‌یابی تجارب سازگارسازی بناهای تاریخی در ایران (پیشنهاد چارچوبی برای تدوین الگوی ارزش‌یابی‌ها). نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۳(۳۳)، ۱۹۳-۲۰۷.

DOI: 10.22034/AAUD.2020.164614.1795

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_127765.html



